

ایران در آستانه‌ی فرصتی تاریخی

سرلشکر ناصر فرید، رئیس پیشین ستاد ارتش
پروفسور سیدحسین امین، مدیر مسوول ماهنامه‌ی حافظ

۱- مقدمه

به تصدیق بسیاری از صاحب‌نظران و ایران‌دوستان، ایران امروز در آستانه‌ی نوروژ باستانی ۱۳۸۷، دچار مشکلات پیچیده‌ی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و امنیتی‌ست. بخشی از پی‌آمدهای این مشکلات را تک‌تک شهروندان کشور از زن و مرد و پیر و جوان به صورت فشارهای اقتصادی و معیشتی، آلودگی هوا و تخریب محیط‌زیست و نیز مفاسد اجتماعی در زندگی روزمره‌ی خویش لمس می‌کنند و احیاناً کارگزاران نظام و کارمندان دولت هم به آن اذعان دارند. در حالی که شعر «بنی‌آدم اعضای یک‌پیکرند» سعدی، زینت‌بخش سازمان ملل متحد است و یونسکو، سال گذشته را سال جهانی مولانا قرار داده است و ترجمه انگلیسی دیوان حافظ در شمار پر فروش‌ترین آثار ادبی جهان قرار گرفته و چهره‌هایی هم‌چون ابن‌سینا و خیام، میراث مشترک جامعه‌ی بشری شناسایی شده‌اند، صدور سومین قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران در اسفندماه ۱۳۸۶ - با رأی چهارده کشور از پانزده کشور عضو شورای امنیت - آینده‌ی نامطمئن و خطرناکی را برای میهن عزیزمان ترسیم می‌کنیم و از آن جا که شورای امنیت به هر حال عهده‌دار داوری در باب نیک و بد ۱۹۱ کشور عضو سازمان ملل متحد است، صلور چنین آراییی علیه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، نه تنها مشروعیت نظام جمهوری اسلامی بلکه در سطح گسترده‌تر حرمت و اعتبار ملت بزرگ ایران را در چشم جهانیان زیر سوال می‌برد. ما معتقدیم که اولاً، همه‌ی مردم جهان همه‌جا و همیشه با حقیقت بیگانه نیستند و گرچه بعضی از ملت‌ها در بعضی مقاطع، ممکن است با ایران غرض و مرض و عناد داشته باشند همه‌ی پانزده عضو شورای امنیت را نمی‌توان متهم به غرض‌ورزی با ایران کرد. ثانیاً، مردم ایران، اهل صلح و صلاح‌اند، و پیرو مکتب حافظ که می‌فرماید: آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است / با دوستان مروت با دشمنان مدارا. تجربه نیز نشان داده است که جنگ مداوم با دنیا و شعار مرگ بر دولت‌های موجود و بعضاً قدرتمند جهان، فائده‌ی عملی برای ما نداشته و ما را در معرض خطرات و تهدیدهای بیش‌تر قرار داده است. به همین سبب با صدور سومین قطعنامه‌ی تحریم ایران از سوی شورای امنیت، بسیاری از هموطنان نسبت به اوضاع موجود کشور در بیم و امید، به‌سر می‌برند، بیم از این که کشور هم‌چنان نابسامان بماند و این که بیگانگان، فشار بیش‌تری بر ملت وارد آورند. عده‌ی هم - ناگاهانه - امیدوارند که همین مخاطرات و فشارها، نظام را ناکارآمد سازد تا دستی - حتا با دخالت بیگانه - به میان آید و در کشور تغییری به وجود آورد.

به نظر می‌رسد این بیم و انتظار بر اثر تجارب گذشته‌ی ملت ایران از ظهور و سقوط حکومت‌ها در قرن اخیر باشد که اکثر آنان با دست‌یازی آشکار و پنهان بیگانگان و هم‌باری دست‌نشانندگان درونی آنان به قدرت رسیدند و سقوط کردند. ماضن محکوم کردن هر نوع دخالت پنهان و آشکار خارجی در سرنوشت ملت ایران، بر یک‌پارچگی سرزمینی کشورمان و لزوم انسجام ملی تاکید می‌کنیم و برآنیم که اکنون شرایط ملی، منطقه‌یی و بین‌المللی با دگرگونی‌های بنیانی مواجه می‌باشد و ضرورت دارد با بررسی دقیق وضع موجود و برآورد راهبردهای مناسب برای آینده، اساس نوینی پی‌ریزی گردد.

الف- بنا بر آخرین تعاریف استراتژی علم و فن توسعه کاربرد مجموعه‌ی قدرت‌های سیاسی- اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشور می‌باشد که توسط بالاترین رده سیاست‌گذاری حاکمیت به منظور پیشبرد طرح‌های ملی و تقلیل ناکارآمدی‌های ناسنجیده به اجرا در می‌آید.

ب- اصل کلی این است که مردم، منبع اساسی قدرت سیاسی هستند. به موجب اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی هم که بالفعل به‌عنوان میثاق ملی حاکم، تبلور خواست و اراده همگانی در مقطع تصویب آن در سال‌های اول انقلاب است، حق مشارکت عمومی مردم در امر سیاست تضمین شده است و البته این حق باید از طریق انتخابات آزاد، عملاً به قوه‌ی مقننه و مجریه و قضائیه تفویض گردد.

ب- در اوضاع فعلی جهان، هیچ کشوری نمی‌تواند بدون تعامل سیاسی و اقتصادی با دیگر کشورها، منافع ملی خود را تأمین کند و لذا داشتن روابط معقول و سنجیده با جهان و جهانیان یک ضرورت است. ما البته سوابق استعماری غرب و نیز دخالت‌های بیگانگان را در امور داخلی کشورمان که بدترین نمونه‌ی آن کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود، قویاً محکوم می‌کنیم؛ اما در عین حال معتقدیم که این وظیفه‌ی دولت است که با واقع‌نگری و تدبیر، راه‌های معقولی را در تعامل با جهانیان پیش بکشد که کشور در معرض بی‌حرمتی، تحریم، حمله‌ی تبلیغاتی یا خدانکرده حمله‌ی نظامی قرار نگیرد.

سیاست‌های راهبردی ایران و استراتژی آمریکا و متحدانش در خاورمیانه باید با توجه به واقعیت‌های بالا مورد مذاقه قرار گیرد.

۲- کج‌روی‌های پس از انقلاب

نگاهی سریع به تاریخ معاصر ایران، نشان می‌دهد که به غیر از چند مورد و دوره‌ی کوتاه، روند حکومت‌ها منتج از رقابت‌ها و دخالت‌های قدرت‌های جهانی بوده است که از مطامع بیگانگان به استفاده از موقعیت

جغرافیایی و ثروت‌های سرزمینی کشورمان سرچشمه گرفته است و در این میان، مبارزات ملی‌مان چون انقلاب مشروطیت و ملی شدن صنعت نفت را با دگرگونی مواجه ساخته است. می‌توان گفت به طور کلی استراتژی کلی کشورمان همواره بازتابی از منافع استراتژیکی ابرقدرت‌ها و دست نشاندهگان آنان بوده است.

۱-۲- انقلاب و اهداف آن

در آغاز تحول تاریخی عظیم انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، ملت ایران هدفی جز سلب صلاحیت از حکومت متکی به بیگانه و رفع وابستگی کشور به خارج و هدایت انقلاب به سوی استقلال، آزادی و پیشرفت به سوی آینده‌ی برتر نداشت. ولی به زودی ملاحظه شد که فرایند استراتژی کارآمد ملی وسیله کارگزاران که غالباً ضعف کارایی داشتند، به کلی خلاف انتظار از آب درآمد و در همان ابتدا با اشغال غیر متعارف سفارت آمریکا و یورش غیر موجه تعرضی به ساحت فرهیختگان، سازندگان و روشنفکران، موجب شد تا گروه‌ها و طیف‌های مؤتلف در انقلاب از گردونه خارج گردند و با استعفای دولت موقت به سرپرستی مهندس مهدی بازرگان، کفهی متعادل و منتخب مردمی (ملی-مذهبی) به حکومتی تک بعدی و جناحی مبدل گردد.

ب- ارتش مجهز، منظم و تعلیم یافته‌ی ایران، با قدرت کم‌نظیر ایجاد امنیت در منطقه خلیج فارس و عاملی کارآمد در بازدارندگی تهدید خارجی، در اولین ساعات انقلاب با وجود اعلام بی‌طرفی مورد هجوم پاره‌یی از انقلابیون قرار گرفت و پادگان‌های بی‌دفاع با ترک خدمت پرسنل، مواجه شدند، به نحوی که در روز بعد، ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ کشور انقلابی فاقد ارتش گردید.

- در همان روز، تعدادی از افسران معتدل ملی در معیت اولین رییس ستاد کل ارتش ملی (سرلشگر محمودولی قرنی) این تصمیم را اتخاذ کردند که با صدور اعلامیه‌یی فوری از کلیه امراء، فرماندهان و رؤسای دوایر نظامی و انتظامی بخواهند با حضور خود در محل‌های سازمانی به احیای سریع نیروها بپردازند. ولی به زودی ملاحظه شد که تیمسار قرنی فرمان‌بازنشستگی کلیه‌ی امراء و غالب افسران کارشناس ارشد نیروهای مسلح را صادر کرد و همزمان با دستگیری و تعقیب، اعدام و زندان و گریز و هجرت آنان برخلاف تدبیر سیاسی دولت موقت، کشور ایران توان اقدام (مؤثر امنیتی) در حیطه جغرافیاییش را از دست داد.

ج- فرسایش ارتش سامان یافته‌ی نیم قرن کشور که امنیت منطقه‌ی خلیج فارس را عملاً به عهده داشت، سریعاً پدیده‌های تأسف‌انگیز و ناخواسته زیرین را به وجود آورد:

۱- سقوط تسلط بی‌نظیر قدرت نظامی ایران در منطقه‌ی حساس خلیج فارس.

۲- شکست استراتژی کارآمد امنیت ملی و افت تطابق سیاست (ژئواستراتژی) ایران

۳- ریزش موازنه‌ی قوا در خاورمیانه و عدم تعادل مناسبات بین‌المللی.

در نتیجه بنا بر مقتضیات تیمسار قرنی، پس از ۴۰ روز، از کار برکنار و یکی از امضاکنندگان نامه‌ی حاضر (سرلشگر ناصر فرید) توسط دولت



موقت با عنوان دومین رییس ستاد کل ارتش ملی، به کار گرفته شد. دومین رییس ستاد ارتش، با این که ضمن تلاش شبانه‌روزی در غیبت امراء و فرماندهان تجربه اندوخته صرفاً با افسران جوان روحیه باخته احیای ارتش نسبی ایران را در روز ۲۹ فروردین ماه ۱۳۵۸ (روز ارتش) به مردم دل نگران کشور و خبرنگاران کنجکاو خارجی ارایه داد ولی آن ارتش دیگر از چنان انسجامی برخوردار نبود که امنیت ملی را به گونه‌ی قبل از انقلاب مستقر سازد.

با نهایت تأسف در آن هنگام، صدام حسین تحقیر شده از امضای قرارداد ۱۹۷۵ (الجزیره) که کاملاً به نفع روند استراتژی مسلط ایران در منطقه تنظیم یافته بود و با توجه دقیق به ناکار آمدی دفاعی ارتش جمهوری اسلامی، تبلیغات ناستجید پاره‌یی از کارگزاران را تحت عنوان صدور انقلاب، مستمسک قرارداد و با داعیه‌ی تسلط بر منطقه خلیج فارس و پشتیبانی دیگر کشورهای هم‌سو با هجومی سراسری، ۱۷ شهر مرزی کشور را به تصرف درآورد و مغرورانه «قادسیه دوم» را به جهانیان اعلام داشت. صدام حسین، گمان نمی‌برد که یورش او با مقاومت شدید و غیر مترقبه‌ی انبوه جوانان و مردم ایران مواجه گردد به طوری که وی پس از سه سال جنگ را فرسایشی و تلاش خو را بی‌هدف انگارد تا جایی که مصمم به برقراری صلح و پرداخت غرامت جنگی شود.

- پیشنهاد صلح صدام و آمادگی اعراب به پرداخت غرامت به ایران، به دلایلی مبهم مورد موافقت مسئولین وقت جمهوری اسلامی قرار نگرفت و جنگ بی‌هدف به مدت پنج سال دیگر با دفاع سرسختانه‌ی عراق با تلفاتی بی‌شمار و خساراتی اندوه‌بار ادامه یافت و با صلحی تحمیلی پایان گرفت و پرونده آن هنوز برای درک واقعیت مفتوح می‌باشد.

۲-۲- ایران پس از جنگ

- پس از پایان جنگ ایران و عراق، جمهوری اسلامی به تسلط بر مخالفین داخلی و دستیابی به حفظ نسبی تمامیت ارضی به نوعی انسجام ساختاری رسید. در آن هنگام پیش آمد فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد افق‌های نوی را در اتخاذ رهایی ملت‌های پیرامون آن کشور و ایجاد روابط منطقی بین دولت‌های منطقه‌یی و بین‌الملل را نوید می‌داد که این نیز زمینه مساعدی را برای دومین دوره‌ی ریاست جمهوری اسلامی (آقای هاشمی رفسنجانی) سالار سازندگی که امید به آزادی، رفاه و تعادل را بشارت می‌داد تا حاکمیت سخت اندیش زمان جنگ را به دولتی پیشرو و سازنده تبدیل سازد.

تصور چنین تحولی ابتدا تلقی خوش بینانه‌یی را در تفکر نظریه‌پردازان و روشن بینان، درباره‌ی روند سیاست داخلی و خارجی ایستا، به وجود آورد. ولی چنان که دیده شد، راهبرد نوینی متناسب با شرایط پیش آمده، پدید نیامد و روند تاریخی کشورمان هم چنان با شدت عمل در سیاست داخلی و روش خصمانه با دولت‌های خارجی برپا ماند تا پدیده‌ی دوم خرداد، ۱۳۷۶ را به وجود آورد.

- انتخابات دوم خرداد و ریاست جمهوری آقای خاتمی به روشنی نشانه‌یی از عدم رضایت عمومی نسبت به گذشته‌ی نزدیک بود و به نظر می‌رسید که کشور با آراء غیرمترقبه‌ی انبوه مردم در آستانه‌ی تحول ساختاری نوین قرار گرفته و مردم با حضور انبوهی خود در صحنه‌ی انتخابات خواستار نوعی اصلاحات ریشه‌یی شده‌اند.

- از آن پس، با توجه به افکار عمومی، استراتژی اصلاح‌طلبی در مقابل روند اصولگرایی در درون حاکمیت پا گرفت و ریاست جمهوری با طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها، مردم‌سالاری دینی و تعدیلی نمایان در امور جاری کشور و به خصوص در روابط بین‌المللی به کار خویش ادامه داد.

- از آن پس، دیری نپایید که به ویژه در دومین دور ریاست جمهوری آقای خاتمی عدم توفیق ایشان در تأمین آزادی‌ها، امنیت داخلی و اصلاحات وعده داده شده، این شایعه را به گونه‌یی گسترده رایج ساخت که ریاست جمهوری وقت صرفاً نقشی تسکین دهنده در مقابل نارضایتی‌های گسترده‌ی مردمی و آرام‌سازی صوری، نسبت به انتقادات شدید و روزمره‌ی برون مرزی در «سناریوی» بقاء وضع موجود به سود تمامیت خواهان دارد و مشخص ایشان، جزئی لاینفک از آن سازمان می‌باشد و همواره به بهانه کمبود اختیارات نظاره‌گر بی‌تفاوت روند سیاسی دیکته شده از غیر خود است.

بدین ترتیب اصلاح‌طلبی (تثبیتی) مورد رضایت اصلاح‌طلبی (ریشه‌یی) اکثریت مردم قرار نگرفت، تا در نهمین انتخابات جمهوری، اصلاح طلبی (آمرانه) با طرح اصولگرایان پدید آمده است.

۲-۳- انقلاب و شکست ائتلاف

در آغاز انقلاب، در متن اجتماع انقلابی، نگرش‌های سیاسی متعدد و متفاوت وجود داشت در واقع تحول پدید آمده از انقلاب، از تلاش هم‌آهنگ شده اکثریت گروه‌های اجتماعی و سازمان‌های سیاسی، صورت پذیرفت. مبارزاتی که در زمینه‌سازی آن تحول تاریخی هدفی جز، رفع وابستگی کشور به خارج و سلب صلاحیت از حاکم متکی به بیگانه نداشت و در نتیجه هدایت ایران به سوی آزادی، استقلال و

پیشرفت به سوی آینده‌یی برتر بود ولی:

چنان که دیده شد غالب موفتلان غیرروحانی انقلاب با تمهیدات ویژه، پراکنده، متواری، مرعوب، محبوس و هجرت پذیر شدند، در واقع آن گروه فشار (انحصار طلب) که گرایش منحصر خود را به تدریج به اجتماع تحمیل می‌کرد، کاربرد شور انقلابی را به جای سوق در جهت ساختار همه جانبه مردمی، مصرف کج روی‌هایی کرد که عوارض و مشکلات پایدار زیرین را به وجود آورده است:

۱- نارضایتی و عکس‌العمل‌های صنفی و گروهی از وضع موجود.
۲- فعالیت آشکار و پنهان طرد شدگان از صحنه سیاسی و اجتماعی در مبارزه و مخالفت رژیم.
۳- قهر، هجرت و فرار میلیون‌ها ایرانیان زبده به کشورهای متعدد خارجی با فعالیت‌های گسترده انتقادی و انتقامی زیرپوشش بیگانگان با ترکیب زیرین:
الف- مخالفین آشتی ناپذیر که هیچ‌گاه رویداد انقلاب را به رسمیت نمی‌شناسند.

ب- هموطنانی که در نتیجه‌ی ارباب و یا عدم رضایت از فضای پس از انقلاب، کشور را ترک کرده‌اند.

ج- جوانان نسل دوم و سوم انقلاب از جمله دانشجویان و دانش اندوخته‌گان موفق که فراگیری علوم پیش‌تاز زمان را در خدمت کشورهای بیگانه صرف می‌کنند و به وضوح دیده می‌شود که آنان تحت تأثیر تبلیغات و شایعات روزمره، حکومت جمهوری اسلامی را متعلق به یک قشر جناحی انحصار طلب می‌دانند که شرایط زندگی زمان را برای آن‌ها مسدود کرده است و در انتظار تحولی هستند تا زندگی فردای خود را توجیه کنند.

در چنین شرایطی، تنها راه ایجاد ائتلاف ملی همانا قبول اصل مردم‌سالاری (دموکراسی) و برابری مردم (حقوق شهروندی برابر میثاق ملی با استفاده از بخش‌های مترقی قانون اساسی موجود و اصلاح بخش‌هایی از آن در فرصتی مناسب چه از طریق رفراندوم یا مجلس) و آزادی مشارکت فرد فرد مردم در سرنوشت خویش از طریق احزاب سیاسی و تشکل‌های مدنی و خلاصه رعایت مبانی و اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

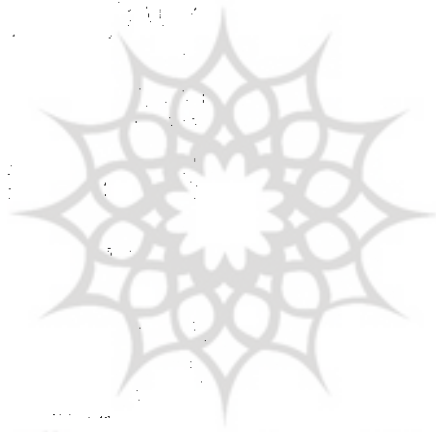
۳- رهیافت: چه باید کرد؟

در قرن اخیر کیفیتی نوظهور در روند تاریخ بشری رخ داده است و آثار آن به نحوی چشم‌گیر در فضای سیاسی- اجتماعی اکثر کشورها جلوه‌گر شده است و اساس و بنیادهای سنتی آنان را با نوعی دگرگونی روبرو ساخته است و آن مسأله‌ی نوگرایی و مدرنیسم است:

- مدرنیسم تلاش انسان برای آزاد شدن از قید گذشته‌یی ایستا و حرکت در جهت آینده‌یی پیش‌تاز می‌باشد.

نوگرایی حقیقت را در پیروی از خرد خلاق، علم و تکنولوژی جستجو می‌کند که همواره درصدد امکانات وسیع‌تر برای بروز استعدادهای درخشان است.

در این راه وطن دوستی و مردم‌سالاری نیروی محرکه برای پیشرفت‌ها به عنوان یک واقعیت مسلم سیاسی می‌باشد و باید با صدای بلند فریاد زد:



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

نیز با برجسب نازیبای «محور شرارت» در محاصره‌ی آن ارتش عظیم قرار گرفته و موجبات تغییرات شگرفی رادر خاورمیانه فراهم آورده است.

- ما مقداری از احساس درونی روشن بینان ملی کشورمان را در شرایط فعلی بیان می‌کنیم تا شاید موجب تجدید نظر سیاست خارجی حزب جمهوری خواه آمریکا در اتخاذ رابطه نوین با ایران باشد به ویژه که در شرایط موجود، فضای حیاتی قدرت سیاسی، وضع اقتصادی، ظرفیت نظامی و حتی اصالت فرهنگی کشورهای جهان سوم که در دوران جنگ سرد تحت الشعاع رقابت‌های سلطه جویان دو ابرقدرت شرق و غرب قرار داشت، با فروپاشی جماهیر شوروی نه تنها ملت‌های در بند را از قید وابستگی رها کنید بلکه حضور و اعمال قدرت باصطلاح منحصر غرب، یعنی کشورهای متحده آمریکا را در مناطق نفوذ قبلی‌اش نیز فاقد انگیزه منطقی گردانیده است.

از طرفی، اینک پس از قرنی کشور ایران از گرایش‌های استعماری قدرت‌های سلطه‌جو رها شده و می‌خواهد از این پس علیرغم کلیه مشکلات، پارچه‌ی سرنوشت تاریخی‌اش را با آگاهی‌های عصر حاضر، وسیله‌ی خود بیافد و دیگر نمی‌خواهد با بی‌خبری و تمهید و تهدید در دایره‌ی از سیاست یک‌جانبه‌ی خارجی یا ایادی احتمالی داخلی، برایش تکلیف ترسیم کنند بلکه اکثریت ایرانیان روشن بین و واقع نگر در تلاش هستند که مسائل مربوط به کشور را با طرح و تفکر آگاهانه به دست کارگزاران مردمی به موقع اجرا گزارند. بدیهی است که برای ایرانیان واقع نگر پایگاه آمریکا به عنوان قدرت فائق در صحنه‌ی بین‌المللی مورد توجه می‌باشد و به درستی واقف هستند که:

- اکنون آمریکا از یک قدرت اقتصادی و سیاسی بزرگ برخوردار است و دارای منابع ضروری اولیه‌ی فراوانی می‌باشد و همچنین

به عنوان قدرتی فائق در صحنه بین‌المللی بایستی در نظر باشد.

- چنانکه می‌دانیم آمریکا در قرن نوزدهم وارد جرگه‌ی اجتماعی کشورهای مغرب زمین شد و به تدریج با تحصیل قدرت سیاسی به صورت وزنه‌ی قابل ملاحظه‌ی درآمد و سرانجام پس از جنگ جهانی دوم کفه‌ی تعادل عمومی را به سوی خود کشانید و مقارن با ورشکستگی اروپا بازار اقتصادی وسیعی را با ثروت سرشار خود به دست آورد و با فروپاشی شوروی تسلط بلامعارض فعلی را پایدار ساخت و در دوران پس از به اصطلاح جنگ سرد، روند خویش را برای تسلط سیاسی- اقتصادی در صحنه بین‌المللی با داعیه‌ی ایجاد نظم نوین جهانی هموار می‌سازد. - مساله‌ی جهانی شدن جریان رایج تبلیغی دو قطب سیاسی قبلی از فروپاشی شوروی بود که در آن به وجود آوردن اقتصادی هم‌تراز و فرهنگ همگونی را با دو مفهوم ایدیولوژیکی (مارکسیسم و لیبرالیسم) مطرح می‌ساختند که از نظر فلسفی در رویارویی با هم قرار داشتند، بدانگونه که لیبرالیسم در آزادی و پویایی سرمایه‌داری و مارکسیسم در ایجاد نظام سوسیالیستی مبالغه می‌کردند و هر دو داعیه‌ی فراملیتی داشتند.

- اینک در آستانه‌ی سال ۱۳۸۷ در پی تبلیغات ضد ایرانی در پرونده‌ی هسته‌یی و نظر به تبعات حادثه‌ی ویرانی برج‌های تجارتی نیویورک در سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، روند جهانی شدن از یک فرایند گام به گام به صورت (پروژه) خاص نوعی جهانی‌سازی همسو با استراتژی منحصر منافع جهانی (ایالات متحده آمریکا) گردیده است که در حال حاضر ایده‌ی اینترناسیونالیستی خود را تحت عنوان آزادی‌سازی و مبارزه با تروریسم جهانی رواج می‌دهد. هم‌اکنون هجوم آمریکا به منطقه‌ی نفت خیز خاورمیانه و اشغال نظامی کشورهای عراق و افغانستان به صورت سرآمد اخبار در نظریه سیاستمداران و رسانه‌های همگانی در جهان در آمده است. در حالی که مردم خاورمیانه با خاطرات تلخ از دخالت‌های ناروای آمریکا در منطقه ادعای آزادی‌سازی را باور ندارند و پاره‌یی از آنان به یاد دارند که آمریکا بدون توجه به احساسات ملی آنان دست به اشتباهات بزرگی چون حمایت از حکومت‌های دست نشانده ضد ملی، براندازی علنی و مسلحانه دولت‌های ملی و تحمیل اراده به کشورهای بی‌طرف به منظور تأمین منافع یک جانبه استراتژیکی خود زده است و بدین ترتیب فجایع تاریخی مهمی چون قتل عام ملت ویتنام سرنگونی و قتل دکتر آئنده و بر اندازی و زندان دکتر محمد مصدق و بمباران منزل مسکونی سرهنگ قذافی را به بار آورده است و با اجرای طرح محاصره‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی و نظامی به منظور زیر سلطه کشیدن دولت‌ها بر زندگی روزمره مردم آن کشورها اثرات نامطلوب می‌گذارد.

۵- ایران و آمریکا: رهیافت

در سال‌های اخیر، آقای پرزیدنت بوش از حزب جمهوری خواه مسوولیت خطیر ریاست جمهوری دولت آمریکا را در شرایط تغییر یافته‌ی جهانی از رقابت‌های دو قطبی به سیاست‌های تک قطبی به عهده دارد. وی به عنوان فرمانده کل قوا، فرمان حضور تعداد سترگی از نیروهای ارتش آمریکا را در منطقه گسترده خلیج فارس و آسیای مرکزی صادر کرده است و با براندازی حکام کشور عراق و افغانستان، کشور ایران



۶- نتیجه

ما اقرار می‌کنیم که رشد و پیشرفت و شکوفایی ایران، در گرو انسجام ملی و تلاطم هویت ملی و در سایه‌ی مردم‌سالاری‌ست. ملت ایران با سابقه‌ی درخشان فرهنگی درخشان خود، قرن‌هاست که پذیرای تکثر دینی، زبانی و قومیتی بوده است و امروز نیز با قبول اصول برابری انسان مطابق اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، قادر است که هر نوع تبعیض دینی و قومیتی و جنستی را در این خاک پاک ریشه‌کن کند.

ایران، چه از جهت منابع طبیعی و چه از جهت نیروی انسانی بالقوه قادر است که یکی از پیشرفته‌ترین و مرفه‌ترین کشورهای جهان باشد. سوءمدیریت و نبود امنیت کافی، موجب فرار مغزها و سرمایه‌ها به خارج شده و در نتیجه عدم کارآفرینی و سرمایه‌گذاری برای تولید در داخل شده است. مدیریت صحیح، باید با توزیع عادلانه‌ی ثروت و فرصت در سطح ملی ایجاد کار و حمایت از تولیدات داخلی، نه تنها از فرار مغزها و نیروی انسانی کارآمد جلوگیری کند، بلکه باید موجبات جذب مغزها و بازگشت سرمایه‌های ایرانیان را به داخل کشور فراهم کند. ایرانیان برون مرز و به خصوص ایرانیان ساکن آمریکای شمالی، در این خدمت رسانی تاریخی می‌توانند نقش موثری ایفا کنند.

ملت سرفراز و صلح‌دوست ایران، به اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق‌های حقوق بشری و مبادلات اقتصادی رقابتی سالم با همه‌ی جهان پای‌بند است. ما خواهان آزادی بیان، آزادی قلم و آزادی احزاب‌ایم و به‌عنوان حداقل مطالبات حقه‌ی ملت ایران برابر قانون اساسی موجود از مقامات مسوول ایران و همه‌ی مردم صلح‌دوست جهان می‌خواهیم که هرچه زودتر در آستانه‌ی نوروز ۱۳۸۷ به حق مشارکت عامه‌ی مردم از طریق احترام به حاکمیت ملی، انتخابات آزاد و آزادی مطبوعات و احزاب احترام بگذارند و برای نمونه در مسیر این حرکت کلان، به احزابی مستقل و قدیمی مانند حزب ایران و مطبوعات مستقل و فرهنگی مانند ماهنامه‌ی حافظ اجازه‌ی مشارکت دهند. ■

پربارترین کشاورزی‌های جهان از آن اوست و در تکنولوژی هم از برتری فراوانی بهره‌مند است. آمریکا هم‌اکنون کشوری است با پرتوی از پویایی و قابلیت انطباق زیادی با شرایط موجود جهانی که با یک طبیعت سخاوتمند ثروتی سرشار در اختیارش گذارده شده است. ما این واقعیت‌ها را انکار نمی‌کنیم

- ولی کارگزاران سیاست خارجی آمریکا به طور قطع باید بدانند که ملت ایران با آن سابقه‌ی عظیم تمدن و فرهنگ، تسلیم زور نمی‌شود. این خطای بزرگی است اگر تصور شود که پس از فروپاشی شوروی، کشورهای متحده‌ی آمریکا می‌تواند حتی پس از حادثه شوم ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویورک، یک‌ه‌تاز سیاست بین‌المللی باشد.

به وضوح به نظر می‌رسد دنیای امروز مملو از مراکز رو به افزایش قدرت‌هایی‌ست که دیگر پذیرای راه کارهای یک قدرت بزرگ نیستند و حتا به وضوح روشن است که دیگر راه قدرت‌های بزرگ صنعتی راه پُر سیطره‌ی بی مردم جهان سوم نیست و تفکر این چنین می‌تواند با افول آن قدرت‌ها، و احیای ذخایر ملی و نهادینه شدن مردم‌سالاری و قداست معنویت‌های باستانی که در اکثر ملت‌های جهان سوم نهفته است، سرآغاز مناسبی را برای تکوین عظمت و توسعه مجدد آنان فراهم سازد. با توجه به مراتب بالا بدیهی است اگر آمریکا برگ‌های برنده‌اش را به جای مسلط شدن بر دیگران به راه حل مشکلات سرتاسر مردم جهان، از طریق یاری دادن به توسعه‌ی اقتصادی کشورهای در حال رشد و کاهش کربیه‌ترین پدیده‌ی عصر حاضر یعنی تجاوز و بهره‌وری را گرایش پیدا کند، کارایی مثبت خود را نشان خواهد داد.

- روشن است که آمریکا هم اکنون در یافته است که با تحولات تاریخی معاصر تک قطبی شدن و داعیه جهانی سازی واژه غیرمعقول است. در واقع آمریکا هم‌اکنون هم چنین در یافته است که (نه) می‌تواند از جهان بگریزد و (نه) بر آن تسلط داشته باشد و راه حل‌های خود را تحمیل کند بلکه ناگزیر است تدابیری اتخاذ کند تا بتواند به اشتراک منافع جهانی میان ملل کمک کند.

- بدین لحاظ اعتقاد داریم که خط مشی سیاست خارجی آمریکا در مورد ایران با انتخاب راه کار (دیپلماسی) نتیجه‌ی درک واقعیت زمانه باشد.

مع‌هذا مجدداً از طرف خود و قاطبه‌ی وطن خواهان ایران به آقای پرزندنش بوش ریاست جمهوری آمریکا خاطر نشان می‌سازیم که بهترین راه کار شایسته، تلاش برای ایجاد رابطه با ملت ایران منصرف از ایجاد تشنج توأم با مداخله زورمندانه بوده و آمریکا باید سعی کند که شالوده‌های تجدید روابط حسنه و تلاطم منطقی مراودات دو جانبه، به همان نحو که در نزد هیاتی از کارگزاران سیاسی آن کشور مطرح است، صرفاً در راه هم ترازوی دو کشور و همبستگی دو ملت و بر اساس آراء مردم آگاه سرزمین ایران باشد.

هرگونه دخالت مستقیم و غیرمستقیم نظامی در امور داخلی ایران، از سوی آمریکا یا هر دولت متجاوز دیگری محکوم است. تحریک قومیت‌ها و هرگونه تفرقه‌افکنی میان اقوام مختلف ایرانی از سوی بیگانگان و بیگانه‌پرستان منافی منافع ملی ایران و جایگاه رفیع تاریخی ایران در عرصه‌ی بین‌المللی‌ست.

دورنمای استاد صابر کرمانی

فاطمه عربشاهی سبزواری - تهران

صابرا! رفتی از این دنیای ناآرام فانی
لیکه آثارت بماند تا قیامت، جاودانی
هر که بشناسد تو را، رحمت فرستد بر تو، زیرا
تا توانستی به هم‌نوعت نمودی مهربانی
اندر این دنیای به‌جز آنلوه و جز محنت ندیدی
نیک می‌دانم نکریدی در زمانه شادمانی
ذکر و وردت «یا علی» بود و علی یار تو باشد
چون که عشق علی بردی به پایان زندگانی
دوستدار اهل بیت و عالمان را دوست بودی
زین سبب دانم که با آل‌علی اندر جنانی
ای عربشاهی تو صابر را به چشم دل نظر کن
کن دعا به‌هرش که او کردی دعا اندر نهانی